

کارگاه حالمسئله

کارگاه مهارت روش حل مسئله در قرآن

دلایل اجمالی آن شناخته بود... می خواست از طریق

استدلالات روشن تر عقلی به حق یقین برسد.^۳

۴- ساختن فرضیه دوم و آزمون آن: وقتی حضرت ابراهیم (ع) از آزمون فرضیه اول گذشته و به فرضیه دوم یعنی مشاهده ماه می رسد، ماه را بزرگ تر و منورتر از ستاره می بیند. باز شروع به فرضیه سازی می کند و می گوید: (هذا ربی): یعنی این پرورش دهنده من است.

۵- ساختن فرضیه سوم و آزمون آن: فلما رء الشمس بازغه قال هذا ربی هذا اكبر فلما افلت قال یا قوم انی بری مما تشرکون.

۶- رسیدن به نتیجه یا استنتاج: انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفاً و ما انا من المشرکین [انعام/ ۷۹].

پی نوشت

- در این مرحله از طرف خداوند معرفت و زمینه های رشد به حضرت ابراهیم افاضه می شود (سوره انبیا - آیه ۵۶)
- هم چنان که در جریان معاد نیز عرض کرد: و اذ قال ابراهیم رب ارنی کیف تحی الموتی؟ پروردگارا به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟
- می خواست شخصا درباره خداشناسی و معاد بیندیشد و معبودی را که در فطرت پاک خویش و در اعماق جانش می یافت، پیدا کند.

۱- تشخیص مسئله: اولین گام برای حل هر مسئله، تشخیص خود مسئله است و این روش در قرآن به زیبایی نشان داده شده است: اذ قال ابراهیم لایبیه ازر اتخذانما الهه انی اریک و قومک فی ضلال مبین [انعام/ ۷۴]: حضرت ابراهیم وقتی قوم خود را در گمراهی دید، تصمیم گرفت آن ها را از طریق مشاهده، به معرفت حقیقی یا توحید دعوت کند و خود هم به یقین برسد. بنابراین، توحید به عنوان نوعی معرفت حقیقی، مسئله ای است که ایشان تشخیص دادند.

۲- کسب معرفت برای یافتن راه حل: افاضه معرفت از طرف خداوند به حضرت ابراهیم (ع). کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض لیکون من الموقنین [انعام/ ۷۴]. یعنی این چنین ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین گردد.

۳- ساختن فرضیه اول و آزمون آن: فلما جن علیه اللیل رءاکوکبا قال هذا ربی، فلما افل قال لا احب الافلین [انعام/ ۷۴]: یعنی وقتی ستاره را دید (که نورانی هم بود) گفت، این پروردگار من است (البته به صورت فرضیه و برای تفکر و اندیشه) [انعام/ ۷۵]. زیرا او خداوند را با نور عقل فطری خود و با